

مجازات رجم در پرتو عناوین ثانوی^۱

محمد نظری ندوشن^۲

ارژنگ اردوان^۳

چکیده

در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، رجم به عنوان مجازات اصلی زنا محصنه، تعیین شده است. از طرفی به موجب ماده یادشده، هرگاه امکان اجرای این مجازات وجود نداشته باشد، مجازات‌های شلاق یا اعدام - بسته به مورد آن - جایگزین خواهد شد. با عنایت به انتقاد نهادهای بین‌المللی و سوء استفاده رسانه‌های گروهی غربی، از اجرای احکام رجم در نظام جمهوری اسلامی ایران، نگارنده با روش کتابخانه‌ای تحلیلی نشان می‌دهد از منظر فقهی جایگزینی مجازات‌های دیگر به جای رجم، اقدامی موجه و مطابق با موازین فقهی است، زیرا از یک سو، دو عنوان ثانوی «وهن دین» و «نفرت از دین» بر موضوع رجم عارض شده است و حکم اولی و جوب اجرای رجم را موقتاً به حکم ثانوی حرمت اجرای آن تغییر داده است و از سوی دیگر، انتخاب نوع مجازات‌های جایگزین رجم نیز بر اساس مبانی فقهی مربوط به رجم صورت گرفته است. نکته دیگر اینکه از نظر نویسنده، معرفی

مجازات رجم در پرتو
عناوین ثانوی

۱۳۵

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه میبد. (متخذ از رساله دکتری) رایانامه: nazari@meybod.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه میبد. (نویسنده مسئول) رایانامه: arzhang1345@gmail.com

کردن رجم به عنوان مجازات اصلی و اولیه زناى محصنه در ماده يادشده قابل نقد است، زیرا حکم اولیه وجوب رجم در شرایط کنونی تغییر کرده است.

کلیدواژه: رجم (سنگسار)، ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات اصلی زناى محصنه، حکم ثانوی زناى محصنه، مجازات جایگزین رجم.

۱- مقدمه

در قوانین جزایی پیش از انقلاب اسلامی، اثری از مجازات رجم دیده نمی‌شود. پس از انقلاب، قانونگذار ابتدا در ماده ۱۰۰ «قانون حدود و قصاص و مقررات آن»، مصوب ۱۳۶۱ و سپس در ماده ۸۳ «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۷۰ با ملاحظه متون فقهی، مجازات رجم را برای زناى محصنه در نظر گرفت. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز همانند قانون گذشته، کیفر رجم را مجازات زناى محصنه دانسته و در ماده ۲۲۵ مقرر داشته است: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است»؛ اما بنا به ملاحظاتی در ادامه افزوده است: «در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه، چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت، موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد». تعیین مجازات‌های دیگر غیر از رجم، در بخش اخیر ماده يادشده اقدامی بی‌سابقه است که شایسته است، مبانی فقهی آن مورد مطالعه قرار گیرد.

پیش از این درباره مجازات رجم چندین مقاله به رشته تحریر درآمده است. از آن میان، برخی روایات وارده را از نظر سندی در مورد رجم، مورد تأمل جدی قرار داده‌اند (جناتی، ۱۳۸۹، ۲۵) و برخی دیگر، با استناد به روایاتی به اثبات تشریح این مجازات در اسلام پرداخته‌اند (ربیع نتاج و دیگران، ۱۳۹۴)؛ بعضی از پژوهش‌ها با مطالعه روایات مربوطه، اجرای مجازات رجم را، در زمان غیبت و یا حضور امام معصوم علیه السلام جایز دانسته‌اند (بهشتی و واحد جوان، ۱۳۹۰)؛ دسته دیگری از تحقیقات دشواری اثبات زناى مستوجب سنگسار را مورد اشاره قرار داده‌اند و با توجه به آن، قائل به عدم منافات این مجازات با حقوق بشر شده‌اند (کدخدایی و باقرزاده، ۱۳۹۰)؛ پاره‌ای از پژوهش‌ها

جستارهای

فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم

تابستان ۱۳۹۶

۱۳۶

نیز اجرای سنگسار را، با تکیه بر زمان غیبت، مورد تأمل قرار داده و در این زمینه به بیان دیدگاه‌های مختلف فقیهان معاصر پرداخته‌اند (کدیور، ۱۳۸۸).

جستار حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که متن ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی تا چه حد از نظر موازین فقهی موجّه و قابل دفاع است؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا برخی از واکنش‌های نهادهای بین‌المللی نسبت به اجرای رجم در نظام جمهوری اسلامی ایران را ذکر نموده و آن‌گاه ماده مذکور از منظر فقهی و با توجه به واکنش‌های گفته‌شده مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۲- چیستی رجم

«رجم» در لغت به معنای سنگ و سنگ اندازی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۱۹/۶). این واژه همچنین در معانی قتل، دشنام دادن، لعن و گفتاری که از روی حدس و گمان باشد نیز، به کار رفته است (ازهری، ۱۴۲۱، ۴۸/۱۱). البته به اعتقاد برخی از واژه‌شناسان، معنای اصلی رجم، همان «الرمی بالحجاره»؛ یعنی سنگ اندازی است و دیگر معانی رجم، بازگشت به همین معناست (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۹۳/۲).

در اصطلاح فقهی، رجم یا سنگسار مجازاتی است که بر مرد یا زن دارای شرایط احصان، آن‌گاه که با انسان بالغ و عاقل، زنا کرده باشد، واجب می‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱۸/۴۱). در این مجازات، مرد تا کمر و زن تا سینه در گودالی قرار داده می‌شود و هدف سنگ‌هایی کوچک قرار می‌گیرد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱۴۳/۴).

۳- چیستی احصان

احصان از «حصن» مشتق شده که در لغت به هر مکان استواری گفته می‌شود که رسیدن به آنچه درون آن است، ممکن نباشد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۱۸/۳). اصل معنای احصان نیز منع و بازداشتن است، اما در آموزه‌های دینی، در معنای اسلام، پاک‌دامنی، آزادی و ازدواج به کار رفته است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۳۹۷/۱).

احصان در اصطلاح به این معناست که مرد با همسری که با عقد دائم به نکاح او درآمده، و یکبار از جلو نزدیکی کرده باشد و بعد از آن، این امکان برایش فراهم باشد

که هر صبح و شب بتواند از همسرش بهره‌مند باشد^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۷۲/۹). برخی نظیر همین شرایط را برای احصان زن نیز، برشمرده‌اند (منتظری، ۱۴۲۹، ۱۵۱). پس مواردی مثل بیماری، در سفر بودن، عادت ماهیانه، زندانی بودن، و هر عامل قابل تصور دیگری که مانع نزدیکی از جلو باشد، مرد و زن را از احصان خارج می‌سازد.

۴- واکنش‌های بین‌المللی نسبت به رجم

نهادهای بین‌المللی که در زمینه حقوق بشر فعالیت می‌کنند، همواره جمهوری اسلامی ایران را متهم به نقض حقوق بشر کرده‌اند. بخش قابل توجهی از این انتقادات مربوط به اجرای مجازات‌هایی؛ مانند سنگسار است. علاوه بر نهادهای بین‌المللی، رسانه‌های غرب نیز، در این باره واکنش نشان داده‌اند. بیان برخی از این واکنش‌های بین‌المللی در بحث حاضر لازم به نظر می‌رسد.

۴-۱- کمیسیون و شورای حقوق بشر

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، بر اساس اختیاری که ماده ۶۸ منشور حقوق بشر به او داده و بر اساس قطعنامه شماره ۵ مصوب ۱۹۴۶، کمیسیونی را با عنوان کمیسیون حقوق بشر تأسیس نموده است. لازم به ذکر است که مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۵ مارس ۲۰۰۶م، با صدور قطعنامه‌ای، شورای حقوق بشر را با ساز و کار و شرح وظایفی متفاوت، جایگزین کمیسیون حقوق بشر نمود (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۹، ۱۳).

در سال ۱۹۸۴م. کمیسیون حقوق بشر برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و به منظور تقدیم گزارش به این کمیسیون و مجمع عمومی، طی قطعنامه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران نماینده ویژه تعیین کرد. از این تاریخ تاکنون تقریباً هر ساله بر اساس گزارش نماینده ویژه، قطعنامه‌ای علیه کشور ما در کمیته سوم و مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب می‌رسد و ادامه نظارت بین‌المللی در مورد وضعیت حقوق بشر

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم
تابستان ۱۳۹۶

۱۳۸

۱. عبارتی که در روایات و کلام فقها به کار رفته «یغذو علیه و یروح» است، یعنی همسر، صبح و شب در اختیارش باشد و این عبارت کنایی به معنای آن است که مرد در هر زمان که مناسب نزدیکی باشد، اختیار و توانایی را بر این کار داشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۳۳/۱۴).

در ایران مورد تأکید قرار می‌گیرد (مهرپور، ۱۳۷۴، ۱۵۹).

برای مثال، کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۱۹۹۸/۸۰، مصوب ۲۲ آوریل ۱۹۹۸ از اینکه حقوق بشر به‌طور مستمر از سوی جمهوری اسلامی ایران نقض می‌شود، ابراز نگرانی کرده است. کمیسیون از قطع عضو و سنگسار به‌عنوان مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز یاد کرده و خواستار پایان دادن به اعمال چنین مجازات‌هایی شده است (OHCHR, ۱۹۹۸). نظیر همین عبارات در سال ۱۹۹۹م و ۲۰۰۰م در قطعنامه‌های ۱۳/۱۹۹۹م و ۲۸/۲۰۰۰م تکرار شده است (OHCHR, ۲۰۰۰; OHCHR, ۱۹۹۹).

۴-۲- مجمع عمومی سازمان ملل

مجمع عمومی در پنجاهمین اجلاس خود در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷م. طی قطعنامه شماره ۱۴۲/A/RES/۵۲ علیه جمهوری اسلامی ایران از مجازات‌هایی نظیر سنگسار ابراز نگرانی کرده است. مجمع در قطعنامه‌های صادره طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۴م. نیز از سنگسار به‌طور خاص نام برده و خواستار لغو آن شده است. در این قطعنامه‌ها مجازات‌هایی؛ مانند: سنگسار و قطع دست در زمره مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز برشمرده شده است (United Nations, ۱۹۹۷; United Nations, ۲۰۱۴; United Nations, ۲۰۱۰; United Nations, ۲۰۰۶). مجمع عمومی در قطعنامه ۱۷۱/A/RES/۶۰ که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵ تصویب شده است از توصیه رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به قضا، مبنی بر اینکه در پرونده‌های سنگسار مجازات دیگری تعیین کنند استقبال کرده است (United Nations, ۲۰۰۶).

مجازات رجم در برتو
عناوین ثانوی
۱۳۹

۴-۳- اتحادیه اروپای حقوق بشر

از جمله نهادهای بین‌المللی که همواره نسبت به نقض حقوق بشر در ایران واکنش

۱. در سال ۱۳۸۱ش. از سوی رئیس قوه قضائیه بخشنامه‌ای صادر شد که صدور حکم رجم را ممنوع می‌کرد (کدیور، ۱۳۸۸، ۱۴۱-۱۴۰).

نشان داده، اتحادیه اروپایی حقوق بشر است. شورای وزیران اتحادیه اروپایی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۷ م. در بیانیه پایانی جلسه ۲۸۳۹ مجازات سنگسار را که در ایران اجرا می‌شود، ظالمانه و غیرانسانی خوانده است. در ۲ نوامبر ۲۰۱۰ م. سخنگوی اتحادیه اروپایی با ابراز نگرانی در مورد پرونده‌ای که حکم سنگسار برای آن مقرر شده بود خواستار لغو این مجازات شده است. «کاترین اشتون»^۱ نماینده عالی اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی نیز در بیانیه‌هایی که در تاریخ ۶ جولای ۲۰۱۰ م. و ۹ مارس ۲۰۱۱ م. صادر کرده نسبت به پرونده‌هایی با مجازات اعدام و سنگسار در ایران ابراز نگرانی کرده و خواستار توقف تمام این مجازات‌ها شده است (بزرگمهری و عزیزی، ۱۳۹۲، ۹۲-۸۹).

۴-۴- پارلمان اروپا

پارلمان اروپا در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۶ م. قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساند که در آن نسبت به مجازات سنگسار واکنش نشان داده شده است. در این قطعنامه از اینکه علی‌رغم تعلیقی که در دسامبر ۲۰۰۲ م. برقرار گردیده است^۲، همچنان اشخاصی به مجازات سنگسار محکوم می‌شوند، ابراز نگرانی شده است. در این قطعنامه از مقامات کشورمان خواسته شده مدارکی ارائه دهند که نشان دهد آن‌ها، تعلیق اعلان شده در مورد سنگسار را اجرا می‌کنند. این قطعنامه، همچنین خواستار اصلاح قانون مجازات اسلامی به منظور لغو مجازات سنگسار شده است (European Parliament, ۲۰۰۶).

جستارهای فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم
تابستان ۱۳۹۶

۱۴۰

۴-۵- سازمان عفو بین الملل

این سازمان در سال ۲۰۰۸ م. گزارشی با عنوان «ایران! به اعدام‌های با سنگسار پایان بده» منتشر کرده است. در ابتدای نسخه الکترونیکی این گزارش و در کنار عنوان آن، تصویری از سنگ‌های بسیار درشت به چشم می‌خورد که خشونت سنگسار را برای

۱. Catherine Ashton.

۲. مقصود پارلمان از تعلیق، بخشنامه رئیس قوه قضائیه است که به آن اشاره شد.

مخاطب تداعی می‌کند. در این گزارش، ضمن تحلیل مواد راجع به زنا‌ی محصنه و مجازات رجم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، به صورت تفصیلی و با ذکر جزئیات به ذکر تمامی پرونده‌های مربوط به سنگسار در ایران پرداخته شده است. در این گزارش، سنگسار با عبارت «عملی عجیب و وحشتناک» توصیف شده و از مسئولین ایران خواسته شده به این مجازات خاتمه دهند (Amnesty International, ۲۰۰۸). در گزارش دیگری که درباره احکام اعدام و مرگ در سال ۲۰۱۰م. منتشر شده، بحث سنگسار در ایران مورد اشاره قرار گرفته است. در بخشی از این گزارش آمده است که با وجود توصیه کمیسیون حقوقی و قضایی پارلمان ایران نسبت به حذف ماده مربوط به رجم در لایحه قانون مجازات اسلامی، رجم به عنوان مجازات الزامی زنا‌ی محصنه هنوز در این لایحه وجود دارد. در این گزارش همچنین آمده است که در پایان سال ۲۰۱۰م دست کم، ده زن و چهار مرد با خطر اعدام با سنگسار مواجه هستند (Amnesty International, ۲۰۱۱, ۲۸). در گزارشی که این سازمان در سال ۲۰۱۱م. در مورد ایران به کمیته حقوق بشر ارائه داده، نام اشخاصی که حکم سنگسار برای آنها، صادر شده و روند پرونده آنان ذکر شده است. در بخشی از این گزارش، راجع به قانون مجازات اسلامی آمده: «روش‌های اعدام در حکم شکنجه، مثل سنگسار که برای روابط جنسی خارج از ازدواج وضع شده در قانون مورد پافشاری قرار گرفته است» (Amnesty International, ۲۰۰۸, ۲۴).

مجازات رجم در برتو
عناوین ثانوی
۱۴۱

۴-۶- سازمان دیده بان حقوق بشر

سازمان دیده بان حقوق بشر، در نوزدهم ژوئن ۲۰۰۷م. نسبت به صدور حکم سنگسار برای زن و مردی در تاجیکستان قزوین واکنش نشان داده و خواستار توقف اجرای این مجازات شده است. «جو استورک»^۱ مدیر داخلی بخش خاورمیانه این سازمان در مورد این پرونده گفته است: «دولت ایران در شرف قتل یک مادر و پدر، به وحشیانه‌ترین روش است. قوه قضائیه ایران باید اقدام فوری برای نجات جان این

۱. Joe Stork.

زوج انجام دهد و به مجازات وحشیانه‌ای، چون اعدام با سنگسار پایان دهد». وی در بخش دیگری از سخنانش در مورد سنگسار گفته است: «مقامات ایران باید تلاش کنند تا این عمل شرم‌آور را یک‌بار برای همیشه ممنوع سازند» (Human Rights Watch, ۲۰۰۷). سازمان دیده‌بان حقوق بشر در فوریه ۲۰۰۸ م. نیز نسبت به سه حکم سنگسار صادرشده در کرج و ساری اعتراض کرده و از رئیس قوه قضائیه خواسته این احکام را لغو کند. این سازمان برای چندمین بار تعهدات ایران در رابطه با مواد ۶ و ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ را متذکر شده است (Human Rights Watch, ۲۰۰۷).

در جولای ۲۰۱۰ م. دیده‌بان حقوق بشر، نگرانی و اعتراض خود را در مورد احتمال اجرای حکم سنگسار زنی در استان آذربایجان شرقی اعلام داشت. در ضمن این اعتراض، به بخشی از سخنان «نادیا خلیفه»^۲، پژوهشگر حقوق زنان این سازمان، در بخش خاورمیانه هم اشاره شده که گفته است: «سنگسار همواره مجازاتی بی‌رحمانه و غیرانسانی است، این مجازات مخصوصاً در جایی که قُضات برای مجرم اعلام کردن متهم به جای ادله، به علم خود استناد می‌کنند، منجرکننده است. دولت ایران باید فوراً این اعدام و تمام اعدام‌ها را لغو کند» (Human Rights Watch, ۲۰۱۰).

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم
تابستان ۱۳۹۶

۱۴۲

۴-۷- رسانه‌های غربی

مطبوعات غرب، همواره موضوع مجازات سنگسار در ایران را پیگیری کرده‌اند و آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه، روزنامه «گاردین» در تاریخ ۹ جولای ۲۰۱۰ م. ضمن انتقاد از سیر قضایی یکی از این پرونده‌ها و حکم سنگساری که در سال ۲۰۰۶ م. در مورد آن صادر شده، نوشته است: «این حکم بر اساس علم قاضی اعلام

۱. کشور ما بی‌هیچ قید و شرطی در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۹۶ م. را امضا کرده و در اردیبهشت ۱۳۵۴ ش. از تصویب مجلس گذرانده است (مهرپور، ۱۳۷۴: ۷۱-۴۹). بند ۲ ماده ۶ میثاق مقرر می‌دارد: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده، صدور حکم اعدام جایز نیست، مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت...». ماده ۷ میثاق این چنین است: «هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تزدیلی قرار داد».

شده بود؛ یعنی مفزّی که هرگاه شاهد یا دلیل قاطعی وجود نداشته باشد، اجازه صدور حکم می‌دهد». در ادامه همین مطلب آمده است: «این مرگ به خودی خود به طرز غیر قابل تصوّری بی‌رحمانه است. مردان تا میان‌تنه دفن می‌شوند. اگر طی سنگسار بدن خود را تکان بدهند و آزاد سازند، حکم اعدام تخفیف داده می‌شود، ولی زنان به‌خاطر نگرانی از اینکه ممکن است سینه‌هایشان مکشوف شود، تا گردن مدفون می‌شوند. تماشای مردانی که به زنی بی‌پناه سنگ می‌زنند - سنگ‌هایی به اندازه کافی بزرگ، تا زخمی کنند و به اندازه کافی کوچک، تا مرگ را به تأخیر اندازند - آن‌قدر تفرانگیز است که نمی‌تواند به جمع وسیع‌تری از حضّار ایرانی نشان داده شود...» (Guardian, ۲۰۱۰).

خبرگزاری «فاکس نیوز» نیز در ۸ سپتامبر ۲۰۱۰ م. پس از بیان برخی از حواشی، حکم سنگساری در سال ۲۰۰۶ م. که ذکر آن گذشت، اظهار نظری از وزیر امور خارجه انگلستان آورده است که سنگسار را «یک مجازات قرون وسطایی که در دنیای مُدرن جایی ندارد» توصیف کرده است. وی گفته: «استفاده مستمر از چنین مجازاتی در ایران نشان‌دهنده بی‌اعتنایی آشکار نسبت به تعهدات حقوق بشری بین‌المللی است که ایران آزادانه امضا نموده و نیز نسبت به منافع مردم ایران است» فاکس نیوز در ادامه از قانون کیفری ایران نیز انتقاد کرده و ادعا کرده است؛ طبق قانون ایران قضات می‌توانند با استفاده از علم خود، درباره مجرم بودن یا نبودن افراد تصمیم بگیرند (Fox News, ۲۰۱۰).

مجازات رجم در برتو
عناوین ثانوی
۱۴۳

۴-۸- سیاست‌های هالیوود

اکنون دنیای غرب از نظر ابزارهای تبلیغاتی از موقعیت بالاتری نسبت به کشورهای جهان سوم قرار دارد. برتری فنی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ به آن‌ها اجازه می‌دهد، همسو با سیاست‌های خود به فریب افکار عمومی بپردازند. به‌عنوان نمونه، هالیوود در سال ۲۰۰۸ م. با ساخت فیلمی به نام «سنگسار ثریا» سعی کرد با دستمایه قرار دادن موضوع سنگسار، به تخریب اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازد. این فیلم بر اساس کتابی با همین نام، نوشته «فریدون صاحب‌جمع» ساخته شده است. در

این فیلم زنی معصوم و خانواده‌دوست، به نام «ثریا» بی‌جهت، مورد تهمت زنا قرار می‌گیرد و با شهادت دروغین دو نفر! به سنگسار محکوم می‌شود. داستان فیلم پر از دروغ‌پردازی‌های بزرگ راجع به احکام زنا‌ی محصنه و مجازات سنگسار است. صحنه‌های آن به‌ویژه صحنه سنگسار ثریا که ۱۵ دقیقه از زمان فیلم به آن اختصاص داده شده است، هر بیننده‌ای را متأثر می‌سازد؛ به طوری که این فیلم به‌عنوان بهترین فیلم جشنواره لس‌آنجلس از نگاه تماشاگران شناخته شده است. برای ساخت این فیلم، پنج میلیون دلار هزینه شده است (جزایری، ۱۳۸۹، ۳۶).

۵- اثر عناوین ثانوی بر مجازات رجم

حکم واقعی به اولی و ثانوی تقسیم می‌شود. حکم اولی؛ یعنی حکمی که از نظر ذات و طبیعت یک موضوع و قطع نظر از حالاتی که بر آن عارض می‌گردد وضع می‌شود. در مقابل، حکم ثانوی، حکمی است که به‌سبب عروض حالات و عناوین ثانوی، برای موضوعی وضع می‌شود (حکیم، ۱۴۱۸، ۶۹). به عبارت ساده‌تر، حکم اولی وظیفه شرعی در حال اختیار و وضعیت عادی و حکم ثانوی وظیفه شرعی در حال اضطرار، ضرر، حرج و عناوین ثانوی دیگر است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۴۳۵). به‌طور مثال، آب خوردن، به‌عنوان اولی مباح است ولی در شرایطی که زنده ماندن شخص متوقف بر آن باشد، به‌عنوان ثانوی، که نجات جان است، واجب می‌شود (حکیم، ۱۴۱۸، ۶۹). در این مثال، عنوان ثانوی ضرر، موجب تغییر حکم شرعی شده است.

حکم اولیه‌ای که از بررسی دلایل شرعی به دست می‌آید، وجوب سنگسار در فرض اثبات زنا‌ی محصنه است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱۸/۴۱). این حکم اولی، بدون لحاظ عناوین ثانویه‌ای است که ممکن است بر موضوع رجم عارض شود؛ اما با در نظر گرفتن عناوین ثانوی، ممکن است این حکم عوض شود.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، دو عنوان ثانوی «وهن دین» و «بیزاری از دین» بر موضوع رجم عارض شده است و سرانجام می‌تواند این حکم را تغییر دهد. اثبات این ادعا، مبتنی است بر وجود و تحقق خارجی وهن دین (در اثر اجرای حکم سنگسار).

به‌عنوان صغرای مطلب و اثبات وهن به‌مثابه‌ عنوانی که مشروعیت لازم را برای تغییر حکم داشته باشد.

۵-۱- وهن دین

«وهن» در لغت به معنای ضعف و سستی در عمل و اشیاست (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۹۲/۴). از نظر اصطلاحی با وجود این عنوان در متون فقهی، هنوز تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است. با این حال، ذکر مصادیقی از استناد به وهن در کلام فقها برای شناخت معنای آن مفید به نظر می‌رسد:

برخی از فقهای معاصر به‌خاطر جلوگیری از وهن مذهب، ترک بعضی از رفتارها را از جانب حجاج ایرانی در زمان حج لازم دانسته‌اند: دست کشیدن و بوسیدن ضریح پیامبر ﷺ، برداشتن خاک از قبرستان بقیع، خرید و فروش در بازارها در وقت اقامه نماز جماعت و پوشیدن لباس‌های نامناسب، از آن جمله است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ۴۰۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶، ۲۰۰-۱۹۹).

در مراسم عزاداری برای معصومین علیهم‌السلام، به‌کاربردن الفاظ توهین‌آمیز، انجام حرکات سبک، یا ارتکاب هر عملی که موجب وهن مذهب در نظر دیگران می‌شود، حرام شمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۱۷۸/۳).

عنوان ثانویه وهن، گاه درباره خود نظام اسلامی مطرح شده است. چنان‌که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در پاسخ به سؤال نخست وزیر وقت که «آیا دولت مجاز است که در صورت مشاهده اضرار به بیت‌المال و یا وهن حیثیت جمهوری اسلامی به علت سوءاستفاده عده‌ای، به‌صورت موردی نماز جماعت را در اول وقت ملغی نماید؟» فرموده‌اند: «دولت می‌تواند، بلکه در صورت مذکور، لازم است الغا کند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۱۸/۱۸۵).

با توجه به عبارات فقها می‌توان گفت: مقصود از وهن دین، آن است که در نگاه دیگران، حیثیت اسلام تضعیف شود و دستورات آن سبک و غیرمنطقی جلوه کند؛ یا اینکه وجهه نظام جمهوری اسلامی ایران آسیب ببیند. افرادی به‌صراحت، با اشاره به‌عنوان ثانوی وهن قائل به جواز تغییر مجازات رجم شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷،

۳/۳۶۲: منتظری، ۱۳۷۳، ۲/۵۰۹).

حرمت وهن دین بیش از هر چیزی با دلیل عقلی به اثبات می‌رسد. عقلاً قبیح است که شارع مقدس که اهتمام به مقبولیت اسلام نزد مردم دارد، به انجام عملی رضایت دهد که موجب بی اعتبار شدن دین در چشم دیگران است. با عنایت به ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع، می‌توان گفت وهن دین شرعاً جایز نیست. به علاوه می‌توان در این زمینه به آیاتی از قرآن نیز استناد جست:

الف - منع از به کار بردن برخی الفاظ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره، ۱۰۴). «شما که ایمان دارید، (به پیامبر) نگوئید راعنا، (یعنی رعایتمان کن که یهودان تحریف به ناسزا کنند) بلکه گوئید: ما را بنگر و گوش فرادارید که کافران عذابی دردناک دارند».

مسلمانان صدر اسلام گاهی کلام رسول خدا ﷺ را متوجه نمی‌شدند و برای اینکه پیامبر ﷺ شمرده تر صحبت کنند به ایشان می‌گفتند: «راعنا» یعنی به ما مهلت بده تا آنچه می‌گویی متوجه شویم. این لفظ در میان جماعت یهود، نوعی ناسزا به شمار می‌رفت؛ به همین سبب یهودیان هرگاه به پیامبر ﷺ می‌رسیدند، از روی استهزا می‌گفتند: راعنا و معنای زشت آن را مدنظر داشتند. این آیه مسلمانان را به شدت از به کار بردن این لفظ نهی می‌کند و می‌فرماید: به جای آن از لفظ «انظُرْنَا» استفاده کنید که همان معنای مورد نظر شما را دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۲۴۸). با استفاده از ملاک حکم این آیه می‌توان گفت: وقتی شارع مقدس حتی از به کار بردن یک کلمه که سوءاستفاده دشمنان را در پی دارد نهی کرده است، به طریق اولی، راضی به عملی نیست که انجام آن موجب سوءاستفاده‌های گسترده و تبلیغات وسیع دیگران علیه اسلام و مسلمانان خواهد شد.

ب - تغییر قبله

در آغاز اسلام، بیت المقدس قبله مسلمانان تعیین شده بود. یهودیان این مسئله را بهانه قرار داده بودند و با بیان سخنانی نظیر اینکه مسلمانان قبله مستقلی ندارند؛ یا اینکه پذیرش قبله یهودیان به معنای بر حق بودن مذهب آنهاست، علیه اسلام تبلیغ

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم
تابستان ۱۳۹۶

۱۴۶

می کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱/۴۹۱-۴۹۰). علاوه بر آن، آن‌ها در کتاب‌های خود خوانده بودند که قبله پیامبر موعود، کعبه است، نه بیت المقدس و این می توانست دستاویزی برای یهودیان باشد تا بگویند: حضرت محمد ﷺ آن پیامبر موعود نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۲۴۸). از این رو، آیه ۱۴۴ سوره بقره نازل شد و کعبه را قبله مسلمانان قرار داد: ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...﴾. «گردش روی تو را به طرف آسمان می بینیم و تو را به قبله‌ای که دوست داری بگردانیم، روی خود را سوی مسجدالحرام کن...».

در آیه ۱۵۰ همین سوره، به علت این حکم تصریح شده است: ﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ...﴾. «هر جا رفتی روی خود را سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودی، روهای خود را سوی آن کنید، تا مردم بر ضد شما دستاویزی نداشته باشند...».

با استفاده از علت منصوص ﴿لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ﴾ می توان در شرایط خاص دیگری نیز، که مخالفان اسلام از حکمی شرعی، در جهت تبلیغات ضد اسلام و نظام اسلامی بهره می برند، قائل به جواز تغییر حکم شد.

مجازات رجم در برتو
عناوین ثانوی
۱۴۷

در اینجا ممکن است اشکالی به ذهن آید که «آنچه موجب وهن اسلام و مسلمانان است این است که مسلمان‌ها در برابر کفار و قوانین لائیک و غیرمبتنی بر رسالات انبیا، خودباخته باشند و از مواضع اسلامی خود تنزل کنند. این قوانین هزار و چهارصد سال بر دنیای وسیع اسلام حاکم بوده و همیشه کفار و بیگانگان برداشت‌های سوء و مغرضانه از آن داشته‌اند و مسلمانان به آن کمترین توجهی نداشته‌اند» (استفتائات فقهی-قضایی، ۱۳۹۰، ۷۲).

در پاسخ می توان گفت: اجرا نشدن حدودی؛ مثل رجم، با توجه به مقتضیات زمانی، به معنای خودباختگی در برابر مواضع غرب نیست؛ چرا که حکم ثانوی را نیز شارع مقدس جعل نموده است و مثل حکم اولی، از اوامر واقعی خداوند و وظیفه شرعی مکلفان است. افزون بر این، اجرا نشدن رجم موقتی است و تا جایی ادامه می یابد که کشورهای اسلامی از نظر امکانات رسانه‌ای و تبلیغی به حدی برسند که بتوانند فلسفه مجازات‌های اسلامی، شرایط و ضوابط دقیق اجرای حدود، دشوار بودن

اثبات آن‌ها و فواید اجرای آن‌ها در عمل را، به اطلاع عموم برسانند و به این وسیله تبلیغات دروغ موجود را بی‌اثر سازند. سرانجام در ادامه پاسخ باید گفت: وضعیت فعلی جهان از نظر کیفیت و گستردگی وسایل ارتباط جمعی و سرعت انتقال اطلاعات با گذشته قابل مقایسه نیست. به‌ویژه اینکه، رسانه‌ها امروزه به راحتی می‌توانند برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوت و غلطی از رویدادها را به مخاطبان خود القا کنند. به تناسب این پیشرفت‌ها، عناوین ثانویه‌ای همچون وهن اسلام نیز، از عصر حاضر، عارض بر موضوع رجم شده است و در قرون پیش از این هرگز محقق نبوده است.

همچنین اشکال دیگری که خود را نشان می‌دهد، این است که در بحث حاضر، اجرای رجم، وهن دین به‌شمار نمی‌رود، بلکه این تبلیغات منفی غرب ضد سنگسار است که موجب وهن مذهب می‌شود. بنابراین، توقف مجازات رجم از سوی ما به‌خاطر اینکه دیگران از آن سوءاستفاده می‌کنند، معنایی ندارد و بر بحث وهن دین قابل تطبیق نیست. این ایراد نیز چنین پاسخ خود را می‌یابد که تنها رفتارهایی که به‌طور مستقیم وهن مذهب را به‌همراه دارد، حرام شمرده نمی‌شود، بلکه سبب‌سازی برای وهن دین نیز جایز نیست. در قرآن آمده است: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (انعام، ۱۰۸). «کسانی را که به‌جز خدا می‌خوانند، دشنام مگویند که از دشمنی و نادانی، خدا را دشنام گویند». از این آیه و روایاتی مانند روایات ناظر بر تحریم، خلوت مرد و زن نامحرم، روایات تحریم کتابت ربا و شهادت بر آن و... قاعده حرمت سببیت برای حرام به‌دست می‌آید که به‌موجب آن انجام اعمالی که سبب ارتکاب حرام می‌شود حرام است (سبزواری، ۱۴۱۴، ۱/۴۸۸-۴۸۵). با توجه به این قاعده، نه تنها وهن دین حرام است، انجام کاری که سبب وهن دین شود، نیز حرام است و رجم با توجه به آنچه گفته شد، سبب وهن دین است.

جستارهای فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم
تابستان ۱۳۹۶

۱۴۸

۵-۲- بیزاری از دین

با استناد به برخی از ادله عقلی و نقلی می‌توان گفت: «انجام هر عملی که موجب بیزاری و نفرت مردم از دین شود، حرام است. حتی اگر عمل به یک حکم الزامی شرعی هم موجب گریزان شدن مردم از دین شود می‌توان و بلکه باید از عمل به

آن خودداری کرد؛ جز در مورد احکامی که شارع مقدس در هیچ حال راضی به ترک آن‌ها نیست» (نوبهار، ۱۳۸۴، ۱۳۵). مسئله سنگسار نیز از این قاعده مستثنا نیست. مهم‌ترین دلیل این ادعا، عقل است. عقل و خرد آدمی، حکم می‌کند که در شرایط موجود که مجامع و رسانه‌های غرب درصدد خشن نشان‌دادن دستورات اسلام؛ از جمله رجم هستند، با عدم اجرای موقتی حکم رجم، جلوی سوءاستفاده آن‌ها و بیزاری مردم جهان از اسلام گرفته شود. درواقع، از نظر عقل ترک مهم برای باقی ماندن اهم امری نیکوست.

فقها فرموده‌اند: هرگاه انسان در مقابل دو دستور از دستورهای دین قرار بگیرد و در آن واحد نتواند هر دو را اطاعت کند، باید دستوری را که اهمیت کمتری دارد، فدای آنکه اهمیت بیشتری دارد کند. مثلاً: اگر کودکی در حوضی در حال غرق شدن باشد و این حوض، در زمینی باشد که صاحب آن راضی به ورود غیر به آن زمین نیست، هرچند احترام به مال حکم می‌کند که وارد زمین دیگری نشویم، ولی احترام به جان از آن مهم‌تر است. پس باید بدون رضایت گرفتن از صاحب زمین وارد آن شد و جان کودک را نجات داد (مطهری، بی‌تا، ۱۶۸/۲۱). حتی عمل حرامی مثل خودکشی که به شدت از آن نهی شده است در صورت تراحم با واجبی که از حفظ نفس مهم‌تر باشد، ممکن است جایز شمرده شود (منتظری، ۱۴۲۹، ۹۱). در بحث حاضر نیز هرچند اجرای حد مهم است، مهم‌تر آن است که با عدم اجرای رجم، جلوی بیزاری مردم از اسلام گرفته شود.

ممکن است به‌عنوان اشکال گفته شود که تقدیم اهم بر مهم دارای حسن عقلی است، ولی در مسئله مورد بحث عقل دارای درک امر مهم و اهم نیست. اینکه در شرایط فعلی عدم اجرای حد مهم‌تر از اجرای آن است، ادعایی است که دلیلی برای آن وجود ندارد. پاسخ به این اشکال چنین است که: اجرای مجازات رجم باوجود تبلیغات منفی گسترده‌ای که علیه آن جریان دارد، علاوه بر اثری که ممکن است بر افکار مسلمانان داشته باشد، موجب می‌شود غیرمسلمانانی که آمادگی و زمینه پذیرش اسلام را دارند، از این کار منصرف شوند و شارع مقدس به حکم قطعی عقلی، خواهان چنین تالی فاسدی نیست. چنان‌که برخی به‌درستی بیان کرده‌اند: «ملتزم نمودن مردم

به اصل دین، برای شارع بسیار مهم‌تر از پایبند نمودن آنان به حکمی از احکام شریعت است. هیچ عاقلی کل رافدای جزء نمی‌کند؛ مگر جزئی که اهمیتی همانند کل داشته باشد» (نوبهار، ۱۳۸۴، ۱۴۵). به علاوه دلایلی از کتاب و سنت نیز بر این حکم عقلی صحّه می‌گذارد. فاضل مقداد در تفسیر آیه ﴿وَلَيْشَهِدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور / ۱) می‌فرماید: طایفه‌ای که باید برای مشاهده مجازات زانی و زانیه حضور پیدا کنند در این آیه مقید به مؤمنین شده است؛ زیرا مشاهده اقامه حد از سوی کفار، مانع از گرویدن آن‌ها به اسلام خواهد شد (سیوری حلّی، ۱۴۲۵، ۳۴۲/۲).

همچنین در موثقه غیاث بن ابراهیم از قول امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمودند: «لَا أَقِيمُ عَلَى رَجُلٍ حَدًّا بِأَرْضِ الْعَدُوِّ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهَا مَخَافَةً أَنْ تَحْمِلَهُ الْحَمِيَّةُ فَيُلْحَقَ بِالْعَدُوِّ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸/۲۵-۲۴). «در سرزمین دشمن بر کسی حد جاری نمی‌کنم تا زمانی که از آن خارج شود؛ تا مبادا غرورش او را وادار سازد که به دشمن بپیوندد». این روایت مؤید این مطلب است که تا زمان توجیه افکار عمومی نسبت به مجازات سنگسار و درک درست مردم از احکام مربوط به آن، لازم است اجرای این حد به طور موقتی تعطیل شود تا موجب تفرع عمومی از احکام اسلام و تضعیف اساس دین نشود (منتظری، ۱۴۲۹، ۱۰۳).

ایراد دیگری که خود را نشان می‌دهد این است که اگر بپذیریم که رجم در شرایط فعلی به خاطر عناوین ثانویه‌ای؛ مانند نفرت از دین یا وهن دین متوقف می‌شود، باید قائل به توقف بسیاری از احکام اسلام شویم. زیرا به همین ترتیب می‌توان گفت: مجازات‌هایی؛ مثل: قطع دست، قصاص عضو و نفس، اعدام، یا حتی مسائل مربوط به تفاوت دیه در زن و مرد در این عصر موجب نفرت از دین یا وهن دین است.

این ایراد به این گونه دفع می‌شود که اولاً به صرف توهم این مطلب که یک حکم شرعی ممکن است موجب نفرت یا وهن باشد، نمی‌توان آن را متوقف کرد. همان‌طور که برخی گفته‌اند که تغییر احکامی؛ مثل رجم تنها در جایی مصداق پیدا می‌کند که «حقیقتاً مستلزم وهن اسلام باشد» و «با تخیل نباید دست به حکم اسلام برد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ۷۲). ثانیاً با فرض اینکه این عناوین ثانویه حقیقتاً درباره برخی دیگر از مجازات‌ها نیز وجود داشته باشد، اشکالی در توقف یا تغییر آن‌ها نیست؛

زیرا تعداد چنین مجازات‌هایی زیاد نیست تا بگوییم همه احکام اسلامی تعطیل شده است و در همین تعداد اندک نیز توقف اجرای مجازات به‌طور موقتی و با مجوز خود شارع مقدس خواهد بود.

۶- کیفر جایگزین رجم

تا اینجا روشن شد که اجرای مجازات رجم در شرایط فعلی، با توجه به تبعات آن باید متوقف شود. از سویی کسانی که مرتکب زنا محصنه شده‌اند، نباید بی مجازات رها شوند. برخی از فقهای معاصر بر این باورند که در شرایطی که اجرای حد رجم با محذورات داخلی و خارجی روبروست، سنگسار می‌تواند به نوع دیگری از اعدام تبدیل شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۴۸۷/۱). طبیعی است که اعدام به شیوه‌های دیگر به اندازه سنگسار حساسیت بر نمی‌انگیزد، اما پذیرش این نظر با اشکالی مواجه می‌شود. نگرش مشهور فقهی این است که اگر کسی که سنگسار می‌شود، از گودال بگریزد؛ چنانچه زنا او با بیینه ثابت شده باشد، باز به گودال برگردانده می‌شود، ولی در صورتی که با اقرار وی ثابت شده باشد، دیگر نباید او را به گودال برگرداند و به این ترتیب از مجازات سنگسار رهایی می‌یابد. در واقع، فرار از گودال به منزله رجوع از اقرار است و رجوع از اقرار از موارد سقوط مجازات رجم به‌شمار می‌رود (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۹/۴۱). اگرچه در فرض اجرای اعدام به جای رجم نیز، محکوم می‌تواند اقرار خود را پس بگیرد و از اعدام نجات پیدا کند، ولی با شروع اجرای اعدام، دیگر مجالی برای فرار از مجازات ندارد و عملاً این تخفیف شارع نادیده گرفته می‌شود. برخی از معاصران با عنایت به همین اشکال، اعدام با طناب دار یا تیرباران به جای سنگسار را موجب تضييع حق فرار اقرارکننده دانسته‌اند (منتظری، ۱۳۷۳، ۵۳۰/۲).

شرایط دشواری که شارع مقدس برای اثبات جرم زنا از طریق بیینه در نظر گرفته است، چنان دشوار است که عملاً اثبات زنا از این راه میسر نیست؛ زیرا چهار نفر مرد عادل، باید در یک لحظه عمل زنا را به گونه‌ای دیده باشند که در برابر پرسش‌های خصوصی قاضی، همگی به یک نوع عمل جنسی شبیه به هم، که در یک زمان و یک مکان رخ داده اشاره کنند و کوچک‌ترین خللی به این شرط، موجب بی‌اعتباری

شهادت می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵۷/۹-۴۸). بنابراین، در بیشتر موارد، زنا از طریق علم قاضی اثبات می‌شود. اثبات زنا از طریق علم قاضی، با برخی از شبهات حکمیة همراه است. برای مثال، آیا توبه مرتکب، بعد از اثبات جرم‌اش با علم قاضی می‌تواند پذیرفته شود؟ آیا فرار مجرم از گودال، در این حالت اثری بر مجازات وی خواهد داشت؟ با عنایت به قاعده «درء» در فقه جزایی بهتر آن است که مجازات جایگزین سنگسار به گونه‌ای باشد که تخفیفی نظیر حق فرار مجرم از گودال رجم در موارد اثبات زنا با علم قاضی نیز لحاظ شود و اجرای مجازات، از قطعیتی که در فرض اثبات جرم از طریق «بینه» وجود دارد، برخوردار نباشد.

شاید به دلیل مجموعه‌ای از این گونه ابهامات و شرایط است که از نظر دسته‌ای از فقها، در شرایطی که امکان اجرای حدود نباشد، حکومت اسلامی باید برای مرتکبان چنین جرایمی، با توجه به شرایط زمانی، مکانی و شخصیت مجرم، مجازات‌های تعزیری در نظر بگیرد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۴/۲۹۶).

۷- رویکرد قانونگذار

ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، ابتدا حکم اولی و جوب رجم را بیان داشته است، ولی در ادامه، فرض عدم امکان اجرای حد رجم را پیش‌بینی کرده و در آن حالت، با تفصیل میان اثبات زنا محصنه با اقرار و غیر آن، برای رجم مجازات جایگزین معین نموده است.

۷-۱- حکم سنگسار

ماده ۲۲۵ با این عبارت آغاز می‌شود: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم...». عبارت: «در صورت عدم امکان اجرای رجم» در واقع، اشاره به مواردی دارد که اجرای حکم رجم موجب به‌خاطر عناوین ثانوی باید متوقف شود.

در متن اولیه لایحه قانون مجازات نیز که در سال ۸۸ توسط کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس تنظیم شده بود، به‌صراحت برای زنا محصنه مجازات رجم معین نشده بود. در سال ۹۱، حکم زنا محصنه به‌عنوان یکی از بندهای ماده ۲۲۵ در قانون

گنجانده شد. به این ترتیب، ماده ۲۲۵ بیان می‌داشت: «حد زنا در موارد زیر اعدام است: ... ث- زناى محصنه در فرض عدم امکان اجرای حکم اولی شرعی، که در این صورت با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه؛ چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد» (ماده ۲۲۴ فعلی). این ماده با این ایراد شورای نگهبان روبرو شد که «در ماده ۲۲۵ لازم است، حکم زناى محصنه که مجازات آن با جمع شرایط، رجم است، آورده شود. بدیهی است که حاکم اسلامی می‌تواند در مورد خاص و براساس مصالح اسلام، مجازات جایگزین برای آن مقرر نماید». بنابراین، این بند بر اساس نظر شورای نگهبان و در قالب ماده‌ای جداگانه به شکل کنونی مورد اصلاح قرار گرفت. روشن نیست که با این حجم از تبلیغات منفی که به خاطر مجازات رجم علیه نظام جمهوری اسلامی وجود دارد و در شرایطی که عملاً نیز امکان اجرای سنگسار در کشور وجود ندارد، اصرار بر ذکر مجازات رجم در قانون چه توجیهی دارد. گویا قانونگذار معتقد است که هنوز اجرای حد رجم ممکن است، ولی در مواردی که تبعات منفی دارد، باید طبق ماده ۲۲۵ بسته به مورد برای زناکار محصن اعدام و شلاق در نظر گرفت. این رویکرد قانون‌گذاری صحیح و منطقی نیست؛ زیرا با توجه به آنچه در ابتدای این نوشتار گفتیم در شرایط کنونی اصولاً امکان اجرای مجازات رجم وجود ندارد و هیچ دلیلی ندارد که در متن قانون به حکم اولیه‌ای اشاره شود که به خاطر برخی مصالح باید کنار گذاشته شود.

به نظر می‌رسد نام مجازات رجم در قانون، اگرچه در عمل نیز شاهد اجرای آن نباشیم، بهانه‌ای به دست نهادهای بین‌المللی خواهد داد تا به انتقادهای خود از ایران ادامه دهند. همان‌گونه که حذف ابتدایی مجازات رجم، در گزارش دبیر کل سازمان ملل به شصت و هفتمین اجلاس مجمع عمومی در اوت ۲۰۱۲ به عنوان یکی از اقدامات مثبت جمهوری اسلامی ایران ارزیابی شده (United Nations, ۲۰۱۲, ۳) ولی در گزارش دبیر کل به بیست و پنجمین اجلاس شورای حقوق بشر در آوریل ۲۰۱۴ ابقای مجازات رجم در قانون مجازات اسلامی ۹۲ را مورد انتقاد قرار گرفته است (United Nations, ۲۰۱۴, ۴).

«سارالی ویتسون»^۱، رئیس بخش خاورمیانه سازمان دیده بان حقوق بشر نیز، پس از اصلاح قانون مجازات اسلامی و گنجانیدن مجازات رجم در آن، مطابق با نظر فقهای شورای نگهبان، براساس اظهارنظری گفته است: «اعدام به وسیله سنگسار، مجازاتی منجرکننده است که باید از قوانین کیفری تمام کشورها حذف شود. مقامات ایران با اصرار ورزیدن بر حفظ سنگسار در قانون مجازات اسلامی، ثابت می کنند که در رأس یک سیستم قضایی کیفری فرمان می رانند که بر پایه وحشت، شکنجه و بی عدالتی استوار شده است» (Human Rights Watch, ۲۰۱۳).

ممکن است اشکال شود که احکام ثانوی موقتی هستند و احکام اولیه با از بین رفتن عناوین ثانوی، مثل حرج و ضرر، دوباره جریان می یابند، اما موافقت شورای نگهبان با حذف مجازات رجم از قانون به معنای تعطیلی همیشگی حدی از حدود الهی است. پس شورای نگهبان با توجه به جایگاه و وظیفه اش نمی تواند چنین اجازه ای به مجلس بدهد.

این ایراد چندان موجه نیست. می دانیم که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مانند قوانین سابق به صورت آزمایشی به تصویب رسیده است. به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی؛ «این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید به صورت آزمایشی اجرا می شود و تصویب نهایی آن ها با مجلس خواهد بود». به این ترتیب، شورای نگهبان می تواند به طور موقت حذف مجازات رجم از قانون را بپذیرد و هر زمان عنوان ثانوی «وهن اسلام» برطرف شد از تأیید تمدید مدت اجرای این قانون یا تصویب نهایی آن به سبب مغایرت با موازین شرع، خودداری و تأیید آن را منوط به ذکر مجازات رجم در قانون کند. براین اساس، بهتر آن بود که مجلس شورای اسلامی با در نظر گرفتن مصالح کشور حکم اولی رجم را از قانون حذف و حکم ثانوی را جایگزین آن می کرد و در صورت مخالفت شورای نگهبان، در نهایت، قانون با دربرداشتن این حکم حکومتی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب می رسید.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم
تابستان ۱۳۹۶

۱۵۴

۷-۲- تعیین مجازات جایگزین سنگسار

ماده ۲۲۵ پس از مقرر داشتن مجازات سنگسار برای زناى محصنه، فرضى را در نظر گرفته که این مجازات با توجه به شرایط کنونی قابل اجرا نباشد. با توجه به آن چه در مسئله فرار از گودال گفتیم، ماده در این فرض قائل به تفصیل میان اثبات جرم با بینه و غیر آن شده است. برای کسی که جرمش با بینه ثابت شده مجازات اعدام در نظر گرفته شده است؛ زیرا وی در صورت اجرای سنگسار و فرار از گودال نیز، باید به آن بازگردانده شود و مرگ او در هر حال مدنظر است. از طرفی، تعیین کیفر اعدام برای کسی که اقرار به زناى محصنه کرده است با حق فرار او از گودال منافات دارد. به همین خاطر قانون گذار مجازات صد ضربه شلاق را برای او در نظر داشته است. به نظر می رسد، این صد ضربه شلاق، همان مجازات زناى غیر محصنه است و چون امکان اجرای حد بزرگتر وجود نداشته، قانون گذار به حد کوچکتر^۱ اکتفا کرده است. بنابراین باید آن را حد محسوب کرد و احکام حدود را در مورد آن جاری دانست.

شاید این اشکال مطرح شود که مجازات رجم در شرع مقدس بدل ندارد و با انتفای این مجازات، قاعدتاً نباید کیفر دیگری جایگزین آن شود. اما با پذیرش این ایراد لازم می آید که در شرایط فعلی، عمل شنیعی؛ مثل زناى محصنه بدون مجازات بماند و این کار قطعاً مورد رضای شارع مقدس نیست. به علاوه، وقتی مجازات زناى غیر محصنه صد ضربه شلاق باشد، به طریق اولی می توان با توجه به عناوین ثانوی برای زناکار محصن چنین مجازاتی را در نظر گرفت. لازم به ذکر است که مشهور فقهای امامیه مجازات زانی و زانیه دارای شرایط احصان را صد ضربه شلاق و سپس رجم دانسته اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲۰/۴۱) و اگر این دیدگاه، ملاک قرار داده شود، با انتفای مجازات رجم برای عناوین ثانوی، مجازاتی که باقی می ماند، صد ضربه شلاق است. البته امتیاز فرار از گودال که در فقه به عنوان یکی از راه های رهایی از مجازات رجم برای اقرارکننده به زناى محصنه پیش بینی شده بود، در صورتی که وی به جای رجم به

۱. «الرَّجْمُ حَدُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَالْجَلْدُ حَدُّ اللَّهِ الْأَصْغَرُ فَإِذَا زَنَى الرَّجُلُ الْمُحْصَنُ رَجِمَ وَلَمْ يُجْلَدْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱/۲۸).
ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: رجم حد بزرگتر خدا و تازیانه زدن حد کوچکتر خداست. پس هرگاه که محصن زنا کند سنگسار می شود و تازیانه نمی خورد.

شلاق محکوم شود، عملاً از او گرفته شده است. با این حال تعیین این مجازات منطقی و قابل دفاع است؛ زیرا چنان که گفتیم قانون گذار نمی توانست برای اقرارکننده به زنا مجازات اعدام در نظر بگیرد و تعیین تعزیری مثل تا ۷۴ ضربه شلاق نیز باعث می شد، شلاق زنا محصنه از زنا غیر محصنه کمتر باشد. پس قانون گذار در شرایطی که امکان اجرای رجم وجود نداشته باشد، بنا به مقتضیات زمان، مجازاتی یکسان برای زنا غیر محصنه و زنا محصنه ثابت شده با اقرار در نظر گرفته است. از سوی دیگر، چنین مجازاتی به نفع محکوم نیز هست؛ زیرا هر عاقلی حاضر است نقد صد ضربه شلاق را در برابر نسیه احتمال فرار از گودال رجم بپذیرد.

۸- نتیجه

به نظر می رسد که اجرای مجازات رجم در نظام جمهوری اسلامی ایران، موجب انتقاد تند نهادهای حقوق بشری و تبلیغات سوء رسانه های گروهی غرب می شود که نتیجه آن شکل گرفتن تصویری زشت و خشن از اسلام و احکام آن در اذهان عمومی مردم جهان و ایجاد بیزاری نسبت به شرع مقدس و نظام اسلامی است. از این رو، دو عنوان «وهن اسلام» و «نفرت نسبت به اسلام» را می توان از عناوین ثانویه ای دانست که بر موضوع رجم عارض می شوند و حکم و جوب رجم را تغییر می دهند. بنابراین، در حال حاضر مجازات رجم از باب عمل به حکم ثانوی باید به طور موقت متوقف شود.

از سوی دیگر، اصرار شورای نگهبان بر تعیین رجم به عنوان مجازات اصلی و اولیه زنا محصنه در ماده ۲۲۵ موجه به نظر نمی رسد؛ زیرا حکم اولیه و جوب رجم در شرایط کنونی تغییر کرده است و مصلحت اقتضا می کند در وضعیتی که امکان اجرای رجم وجود ندارد، این حکم برای مدتی در قانون مسکوت بماند.

از دیگر سو، تعیین مجازات های جایگزین رجم در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اقدامی قابل دفاع است که با توجه به واقعیت های موجود و براساس موازین فقهی اتخاذ شده است. تنها ایراد قابل ذکر در این خصوص، از بین رفتن حق فرار از گودال است که در فرض اجرای صد ضربه شلاق به جای رجم،

نادیده گرفته می‌شود. البته می‌توان گفت: قانون‌گذار با عنایت به موازین فقهی و شرایط فعلی، چاره‌ای جز تعیین چنین مجازاتی برای اقرارکننده نداشته است و ایراد یادشده، قابل چشم‌پوشی به نظر می‌رسد.

منابع

قرآن کریم، ترجمه ابوالقاسم پاینده.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. تصحیح محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی. چ چهارم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. تصحیح عبدالسلام هارون. چ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱). تهذیب اللغة. چ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹). صحیفه امام. ج ۱۸. چ سوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. بزرگمهری، مجید و عزیزی، علی، «چالش حقوق بشر در روابط اتحادیه اروپایی با جمهوری اسلامی ایران از نگاه اسناد اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۳۹۲، ش ۷.
۶. بهشتی، احمد و واحد جوان، وحید، «بررسی حکم رجم (سنگسار) و اجرای آن در زمان غیبت کبری»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۰، ش ۲۶.
۷. جزایری، مریم، «نگاهی به فیلم سینمایی سنگسار ثریا»، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۷۸.
۸. جناتی، محمد ابراهیم. «بررسی مبانی فقهی رجم (سنگسار) ثبوتاً و اثباتاً»، کاوشی نو در فقه، ۱۳۸۹، ش ۶۵.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. چ اول. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال طابع علوم انسانی
۱۰. حکیم، محمد تقی. (۱۴۱۸). الأصول العامة فی الفقه المقارن. چ دوم. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۱۱. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. (۱۳۸۹). شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۲. ربیع نتاج، سید علی اکبر، زرگر کاظمی، زینب، اسدی، هاجر و حسین نژاد، سید مجتبی،

- «بررسی سندی و دلالتی روایات اجرای حکم رجم (با تکیه بر روایات کتب اربعه شیعه)»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۴، ش ۳۹.
۱۳. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۴). مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام. چ چهارم. قم: مؤسسه المنار.
۱۴. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله. (۱۴۲۵). کنز العرفان في فقه القرآن، چ اول. قم: انتشارات مرتضوی، قم، ۱۴۲۵، ج ۲.
۱۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۰). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. تصحیح سید محمد کلاتر. چ چهارم. قم: انتشارات داوری.
۱۶. _____، (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. چ اول. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، «استفتائات فقهی-قضایی»، ماهنامه دادرسی، ۱۳۹۰، ش ۸۷، سال پانزدهم.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. چ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۶). احکام عمره مفرده، چ یازدهم. قم: انتشارات امیر قلم.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). کتاب العین. چ دوم. قم: نشر هجرت.
۲۱. کدخدایی، محمدرضا و باقرزاده، محمدرضا، «بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر»، معرفت حقوقی، ۱۳۹۰، ش ۲.
۲۲. کدیور، جمیله، «اجرای سنگسار در زمان حکومت غیر معصوم»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۸۸، ش ۱۵.
۲۳. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸). شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام. تصحیح محمدعلی بقال. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۴. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶). قواعد فقه، چ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۵. مطهری، مرتضی. (بی تا). فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم: انتشارات صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، چ اول. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. _____، (۱۴۲۶). مناسک جامع حج. چ اول. قم: انتشارات مدرسه الإمام علي بن أبي طالب (ع).
طالب (ع).
۲۸. _____، (۱۴۲۷). استفتائات جدید. تصحیح: ابوالقاسم علیان نژادی. چ دوم. قم: انتشارات

جستارهای فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم
تابستان ۱۳۹۶

۱۵۸

- مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
 ۲۹. _____، (۱۴۲۷). دائرة المعارف فقه مقارن. چ اول. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
 ۳۰. منتظری، حسین علی. (۱۳۷۳). رساله استفتائات. چ اول. تهران: نشر تفکر.
 ۳۱. _____، (۱۴۲۹). مجازات های اسلامی و حقوق بشر. قم: ارغوان دانش.
 ۳۲. مهرپور، حسین. (۱۳۷۴). حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. چ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
 ۳۳. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. تصحیح عباس قوجانی و علی آخوندی. چ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۳۴. نوبهار، رحیم، «بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیذ از دین»، تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۴ (یادنامه دکتر شهیدی).

35. Amnesty International. 2008. "Iran: End executions by stoning".
<https://www.amnesty.org/en/documents/mde13/001/2008/en/>
 36. Amnesty International. 2011. "Iran: Submission to the Human Right Committee for the 103rd session of the human right Committee".
<https://www.amnesty.org/en/documents/mde13/081/2011/en/>
 37. Amnesty International. 2011. "Death sentences and executions in 2010".
<https://www.amnesty.org/en/documents/act50/001/2011/en/>
 38. European Parliament. 2006. "P6_TA(2006)0503: European Parliament resolution on Iran", November 2006.
<http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef=-//EP//TEXT+TA+P6-TA-2006-0503+0+DOC+XML+V0//EN>
 39. Fox News. 2010. "Iran Backs Off Stoning Sentence, but Not Execution for Woman Accused of Adultery".
<http://www.foxnews.com/world/2010/09/08/iran-womans-stoning-suspended-international-outcry.html>
 40. Guardian. 2010. "Stoning in Iran: Brutality pure and simple".
<https://www.theguardian.com/commentisfree/2010/jul/09/stoning->

death-penalty-iran-editorial

41. Human Rights Watch. 2007. "Iran: Stop Executions by Stoning Slated for June 21".

<https://www.hrw.org/news/2007/06/19/iran-stop-executions-stoning-slated-june-21>

42. Human Rights Watch. 2008. "Iran: Judiciary Must Prevent Imminent Executions by Stoning". <https://www.hrw.org/news/2008/02/05/iran-judiciary-must-prevent-imminent-executions-stoning>

43. Human Rights Watch. 2010. "Iran: Prevent Woman's Execution for Adultery".

<https://www.hrw.org/news/2010/07/07/iran-prevent-womans-execution-adultery>

44. Human Rights Watch. 2013. "Iran: Proposed Penal Code Retains Stoning".

<https://www.hrw.org/news/2013/06/03/iran-proposed-penal-code-retains-stoning>

45. OHCHR (Office of the High Commissioner for Human Rights). 1998. "Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran: Commission on Human Rights resolution 1998/ 80".

http://ap.ohchr.org/documents/sdpage_e.aspx?b=1&c=86&t=11

46. OHCHR (Office of the High Commissioner for Human Rights). 1999. "Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran: Commission on Human Rights resolution 1999/ 13".

http://ap.ohchr.org/documents/sdpage_e.aspx?b=1&c=86&t=11

47. OHCHR (Office of the High Commissioner for Human Rights). 2000. "Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran: Commission on Human Rights resolution 2000/ 28".

http://ap.ohchr.org/documents/sdpage_e.aspx?b=1&c=86&t=11

48. United Nations. 1997. "A/RES/52/142: Resolution adopted by

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی هفتم
تابستان ۱۳۹۶

۱۶۰

the General Assembly". <http://www.un.org/ga/documents/gares52/res52142.htm>

49. United Nations. 2006. "A/RES/60/171: Resolution adopted by the General Assembly on 16 December 2005".

<http://research.un.org/en/docs/ga/quick/regular/60>

50. United Nations. 2010. "A/RES/64/176: Resolution adopted by the General Assembly".

<http://www.un.org/en/ga/64/resolutions.shtml>

51. United Nations. 2014. "A/RES/68/184: Resolution adopted by the General Assembly on 18 December 2013".

http://ap.ohchr.org/documents/alldocs.aspx?doc_id=22680

52. United Nations. 2012. "A/67/327: Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran - Report of the Secretary-General".

http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?c=86&su=92

53. United Nations. 2014. "A/HRC/25/26: Report of the Secretary-General on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran".

http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?c=86&su=92



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی